

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه سیزدهم اردی بهشت ماه ۱۳۲۲

فهرست مطالب :

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - بقیه شور دوم لایحه اختیارات رئیس کل دارائی و تصویب آن
- ۳ - معرفی معاون وزارت امور خارجه از طرف آقای وزیر امور خارجه
- ۴ - تقدیم لایحه استخدام مهندسین از طرف آقای وزیر بازرگانی
- ۵ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه

(مجلس یکساعت و سه ربع پیش از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید)

صورت مجلس روز یازدهم اردی بهشت ماه را آقای (طوسی) منشی قرائت نمودند

۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ (اظهاری نشد)
صورت مجلس تصویب شد.

۲ - بقیه شور دوم لایحه اختیارات رئیس کل دارائی و تصویب آن

رئیس - در لایحه اختیارات ماده ششم مطرح کرده بود
طوسی - نظر محترم آقایان هست که در ماده ششم
چند نفر از آقایان پیشنهاد حذف ماده را کردند و آقای

مؤید احمدی راجع باین موضوع اظهاراتی کردند بنا بر این
چون اظهارات شده نسبت باین ماده باید صرفاً رأی گرفته
شود اگر ماده ششم رد شد که تکلیفی دارد اگر بعکس
تصویب شد تکلیفی دارد. این تذکر را برای خاطر آقایان
عربش کردم (صحیح است)

افشار - (مخبر کمیسیون قوانین دارائی) بلی باید بماده
ششم رأی بگیرد

عین مذاکرات مشروح یکصد و پنجاه و پنجین جلسه از سیزدهمین دوره قانون گذاری (مطابق قانون آذرماه ۱۳۰۵)

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

فائمی اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده است

فائمی با اجازه - آقایان : ملک زاده آملی - فاطمی .

فائمی بی اجازه - آقایان : دکتر سمیعی - تولیت - فرهمند - ارکانی - گودرز نیا - مشیردوانی - شجاع - اکبر - عطاءالله پالیزی -
بهذب - جلائی - نمازی - دبستانی - آصف - سلطانی - صادق وزیر - شهابنگ - مسعودی - مستشار - دکتر لقمان - دشتی - کامل ماکو -
امدل - نصر تیان - همراز - بوداغبان

دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : نیکپور - خسرو شاهی - نقابت - منشور

طباطبائی - بنده پیشنهادی کرده ام .
رئیس - کو ؟

طباطبائی - داده ام . چون پیشنهاد حذف است نخواستم توضیح زیادی بدهم خواستم آقایان متوجه باشند نظر دولت هم موافق بود باینکه این ماده نباشد بنا بر این اگر تصویب میفرمائید دیگر لازم نیست که رأی گرفته شود دولت موافقت با حذف بکند مجلس هم که موافق است که این ماده نباشد (صحیح است)

رئیس - پیشنهاد آقای منشور

پیشنهاد راجع باصلاح ماده ۶ - پس از مشورت در سطر سوم اضافه شود .

مشورت در تنظیم آئین نامه اجرای این قانون

طوسی - این پیشنهاد مورد ندارد

یکی از نمایندگان - بشما چه ؟

جمعی از نمایندگان - پس گرفتند . پس گرفتند

منشور - معلوم میشود آقایان از طرف بنده و کالت هم دارد

طباطبائی - بلی پس گرفتند .

منشور - بسیار خوب . حالا که اینطور است پس گرفتم

رئیس - رأی میگیریم بماده ششم آقایان موافقین با

این ماده بر خیزند (عده قلیلی برخاستند) رد شد ماده

هفتم که ماده ششم میشود خوانده میشود

ماده ششم - آئین نامه و مقرراتی که برای اجرای این

قانون لازم شمرده شود رئیس کل دارائی تنظیم و بموقع اجراء

خواهد گذاشت

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - بنده در شور اول هم پیشنهادی کردم که

این کلمه مقررات در این جا لازم نیست (صحیح است) در

کمسیون هم بعداً حاضر شدم و توضیحاتی که لازم بود دادم

و آقایان هم حاضر بودند اغلب و تشریف داشتند بنظر بنده

باید مطلب يك قدری روشن بشود اگر بنا باشد اختیار قانون

گذاری داد که این يك مطلب دیگری هست ، مجلس شورای

ملی خودش یگانه مرجع صلاحیت دار قانونی است و حق

قانونگذاری مخصوص مجلس شورای ملی است (صحیح است) و بالاخره این حق را نمی تواند تفویض بکند (صحیح است) پس اصولاً این وظیفه مجلس شورای ملی است که با يك تشریفات قانون در مجلس بتصویب برسد و این حق را نه بدولت و نه بهیچ مقامی نمیتواند واگذار کند باین جهت چون کلمه مقررات ممکن است تولید يك شبهه بکند که حق وضع قوانین را بدیگری میدهد بنظر این است که باید کلمه مقررات برداشته شود (صحیح است) و ذکر این کلمه در این جا ابداً موردی ندارد (صحیح است)

رئیس - آقای امیر تیمور

امیر تیمور - بنده تصور میکنم مجلس يك چنین رائی

بر خلاف اصول است و نمیتواند بر خلاف اصل رأی بدهد

برای اینکه مجلس نمیتواند حق خودش را بدیگری بدهد

و این قضیه از شئون مجلس است و بهیچوجه من الوجوه

نمیتواند بدیگری تسلیم و تفویض کند (صحیح است)

که او هم بخواهد مقرراتی وضع کند بموقع اجرا بگذارد

البته ایشان آئین نامه این قانون را ممکن است ایشان

بنویسند بعد بتصویب هیئت وزیران بموقع اجرا بگذارند

اما مقررات در شئون مجلس شورای ملی است و مجلس

نمیتواند این حق قانونگذاری خودش را بدیگری واگذار

کند (صحیح است) و این کلمه باید حذف شود زیرا بر

خلاف اصل است پیشنهادی هم بنده کرده ام و امیدوارم مورد

توجه قرار بگیرد (صحیح است)

مخبر - عرض کنم اولاً مقررات را نمیتوان قانون تلقی

کرد مقررات غیر از قانون است در ادارات دولتی وزراء

مقرراتی در اداره وزارتخانه خودشان دارند و مطابق آن

مقررات آنجا را اداره میکنند این که صورت قانونی ندارد

یعنی نمیشود آن مقررات را قانون نامید این جا هم وقتی

که نوشته شده است آئین نامه و مقررات منظور این نیست

که دکتر میلسپو مواد قانونی در این جا وضع کند و مطابق

آن مقررات کیف ما یشاء این قانون را اجرا کند . هیچ

همچو نظری نیست ولسی تصدیق بفرمائید که ذکر کلمه

مقررات در این جا لازم است چرا ؟ برای اینکه آئین نامه تقریباً شرح قانون است قانون مواد را طرح و تنظیم میکند و تصویب میشود و آئین نامه آن مواد را برای اجرا روشن تر میکند و طرز عمل را تشریح میکند چون در این قانون طرز عمل که تشریح نشده که این سیاست اقتصادی را که مجلس و دولت بعهده آقای دکتر میلسپو واگذار کرده که اجرا کند بچه ترتیب د کتر اجرا میکند . ترتیب اجرای این قانون و ترتیب عملی کردن این منظورات اقتصادی که بوسیله آن منظورات تثبیت بها و تنزل بها بشود این البته يك مقرراتی است که بسته است بزمان و مکان و بسته بموقع و باید تغییر و تبدیل پیدا کند و از طرف آن شخصی که باو اختیار داده شده است باید مقرر بشود و در کشور ایران اجرا شود پس مانیتوانیم باینها بگوئیم که آقای رئیس کل دارائی آئین نامه این را مینویسد آئین نامه يك چیز کلی خواهد بود ولی در هر موقع مقررات نسبت بسیاست اقتصادی آن موقع و با تطبیق مقررات این قانون البته باید تغییر پیدا کند فرض بفرمائید امروز وضعیت ایجاب میکند که مقرر بدارند که قیمت قند در بازار شش تومان بشود پس فردا می بینند قند کم است قدری بالاتر میبرند این يك مقرراتی است مقرر میدارند که قند بعد از این قیمتش باید پنج تومان یا شش تومان باشد این را که نمیشود اسمش را آئین نامه گذاشت این مقررات است . البته آئین نامه مطابق این قانون باید تنظیم بشود و در کشور ایران مجری بشود این قانون ولی مقررات هم همان است که عرض کردم و مقصود از آن هم قانون نیست فقط يك دستورات اداری است که مطابق مواد این قانون و اختیاراتی که داده شده مقرراتی برای اجرای قانون تنظیم کند یا آئین نامه بنویسد ولی عرض کردم مقررات معنایش این نیست که قانون میتواند وضع کند در هر حال ذکر کلمه مقررات لازم است و هیچ معنای قانونی هم ندارد این جا بلکه يك دستوراتی است که در کشور برای این منظور تثبیت و تنزل بها عمومیت پیدا میکند

رئیس - آقای دهستانی .

دهستانی - بنده پیشنهاد داده ام

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - عرض کنم که البته از کلمه مقررات غرض

وضع قانون نیست شبهه درش نیست مقررات اداری يك ترتیبی

است که در وزارتخانهها يك مقرراتی دارند که مطابق

آن رفتار می کنند این شبهه درش نیست لکن چون

در تمام قوانینی که ما از مجلس می گذرانیم فقط مینویسیم

آئین نامه آن از طرف هیئت وزیران تنظیم میشود (صحیح

است) این کلمه مقررات که اینجا اضافه شده این تولید يك

سوء ظنی کرده است که شاید غرض این است که بخواهند

يك قوانینی را وضع کنند و اما اینکه آقای افشار فرمودند

دستور اجرا است دستور اجراء در مواد معین شده است که

درچه کارها او حق دارد . ملاحظه میفرمائید ؟ البته امر

تحصیل اجناس غیر خوارباری و کلیه مواد خام و مصنوعات

و وارد و صادر کردن اجناس و حمل و نقل و انبار نمودن و

توزیع آن و همچنین مال الاجاره مستغلات و دستمزد کلیه

کارها و خدمات این ها داخل درشان اوست که این کارها را

بکند که در ماده اول نوشته شده بعد هم در ماده سیم بود که

آقای ساکینیان پیشنهادی کردند راجع بیائین آوردن اجناس

و سطح زندگانی که کاملاً بایشان اختیار داده شده است

آئین نامه هم البته برای شرح و کیفیت اجرای قانون نوشته

میشود که آن هم حق داده شده چون کلمه مقررات که

این جا نوشته اند عجالتاً تولید این سوء ظن را کرده است

بنده عقیده ام این است که برداشته شود (صحیح است)

چون اثر ندارد و چون سوء ظن تولید شده که شاید از این

کلمه مقررات این سوء استفاده بشود که او قانون وضع کند

از این جهت بنده پیشنهاد میکنم که این کلمه مقررات را

حذف بفرمایند (صحیح است)

رئیس - آقای ناصری

ناصری - بنده بعد از يك نفر مخالف صحبت میکنم .

رئیس - آقای طباطبائی

طباطبائی - عرض کنم اینک در ماده نوشته شده و تصریح شده است که دکتر میلسپو قیمت‌ها را باید بیابرد پائین و اینجا صحبت از درشکه شد و کرایه درشکه که یک خیابان که راه میرود میگوید سه تومان بده و این زیاد است حالا علل این زیاد است و امیدواریم برداشته شود و این را از روی مثل عرض کردم حالا اگر اداره قیمت‌ها فرخواست برای درشکه یک نرخ می‌کند این را که در قانون معین نمیکنند این که در قانون نیست و این قیمتی را هم که معین میکنند برش آئین نامه هم میگویند میگویند مقررات این کار. قبل از اینکه این قانونی بشود برای این موضوع هم یک اداره پیش بینی شده بود در تحت اختیار اداره نظمی بود یا فرض بفرمائید بلدی‌های شهرها برای نرخهای اجناس و خواربار مگر فصلی به مقتضای آن فصل یک مقرراتی ندارند؟ یک قیمت‌هایی مگر معین نمی‌کنند مگر ترقی و تنزل نمیدهند؟ این‌ها را اعلان میکنند و مقررات است قانون هم نیست و بنظر من اگر مقررات را برداریم دیگر چیزی از این قانون باقی نمی‌ماند برای پائین آوردن قیمت‌ها برای تثبیت نرخ برای جمع آوری اجناس و جلوگیری از دست بدست گشتن اجناس و از بین بردن این بازار سیاه بتواند اقداماتی بکند دیگر چه نتیجه دارد؟ این جا که یک همچو تصریحات مفصل و مشروحی نیست نباید هم باشد پس توجه فرمودید که آئین نامه بقول آقای مخبر کمیسیون من بعد از این‌ها را مقرر و معین خواهد کرد که نحوه اجرا چیست اما آن اعمالی را که این آدم باید بکند و آن نقشه را که برای این عمل باید بکشد اینها که آمد روی کاغذ و انتشار پیدا کرد اسمش مقررات است و قانون نیست البته هیچکس هم حق ندارد قانون وضع کند و وضع قانون از مختصات مجلس شورای ملی است.

رئیس - آقای فریدونی

فریدونی - عرض کنم کلمه مقررات در ادارات بمعنای قانون است چنانچه در قانون استخدام کشوری هم در ماده

۶۳ مینویسد که هیچکس از مقررات این قانون شامل حال وزراء و نمایندگان مجلس و معاونین نمیشود و لیکن الی آخر پس بنابراین در ادارات این کلمه مقررات اطلاق بقانون میشود بنابراین اگر بجای مقررات دستورات بنویسند که آئین‌نامه و دستوراتی که برای اجرای این قانون لازم شمرده شود شامل تمام چیزها میشود نرخ تعیین بکنند چه بکنند چه بکنند اگر دستورات نوشته شود بنظر بنده بهتر است **مخبر** - عرض کنم همانطور که خودتان فرمودید در ادارات وقتی که کلمه مقررات را گفتند آن موقع صورت قانونی پیدا میکند که بعدش هم کلمه قانونی باشد مقررات قانونی یعنی مقرراتی که قانون وضع کرده است و لای خود کلمه مقررات فی حد ذاته معنی قانون را نمیدهد ما بدکتر میلسپو که اختیار نمیدهیم که وضع قانون بکنند بلکه او آئین‌نامه اجرای این قانون و مقرراتی را که برای اجرای قانون لازم است تنظیم اجرا نماید مثلاً موقعی فرض بفرمائید بخواهد مقرر بدارد که نرخ فلان چیز فلان قدر باشد در دست او باشد که بتواند این را مقرر بدارد و لای آئین‌نامه تنها کافی نیست زیرا آئین‌نامه کلاً معنایش اینست که طرز اجرای قانون را تعیین میکند ولی مقررات هر آن تغییر پذیر است اما آئین‌نامه را نمیشود که هر موقع تغییر داد پس وقتی که گفتیم طبق قانون میتواند مقرراتی وضع کند یعنی مقرراتی که برای حسن اجرای قانون لازم است نه - مقررات قانونی.

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - بنظر بنده آقای مخبر یک قدری اشتباه میکنند برای اینکه این اولین بار نیست که ما یک لایحه از مجلس میگذرانیم و یا اینکه معنی مقررات را نمیدانیم. این موضوع خیلی واضح و روشن است که در هر قانون آئین‌نامه اجرای آنرا اجازه میدهند تنظیم کنند ولی این کلمه مقررات اینجا معنایی ندارد و معلوم نیست مقصود چیست و واضح نیست که چه مقصودی دارند اگر مقصود این است که یک آئین‌نامه که برای اجرای این قانون

تنظیم میشود تنظیم کنند که خوب مانعی ندارد مجلس مثل سایر قوانین این اجازه را میدهد ولی کلمه مقررات تازه پیدا شده است در اینجا آقایان میدانند که ما در هیچکس از قوانینی که تا بحال گذرانده‌ایم بردارید به بنید بخوانید هیچ همچو چیزی نبوده است و این اولین باری است که کلمه مقررات آمده و این برخلاف سوابق و برخلاف اصول و برخلاف آن مفهومی است که شما بالاخره اینجا اظهار کردید در عرف و بالاخره در متن قانون گذاری کلمه مقررات مشمول قوانین است و بنا بر این بهیچوجه کلمه مقررات را لازم ندارد آقای طباطبائی مسئله درشکه و آئین‌نامه‌های شهربانی را فرمودند در آئین‌نامه شهربانی تا کس درشکه و اینها هست که پائین می‌آورند و بالا میبرند میبرند بله اینها یک تکالیفی است که شهربانی عمل میکند و بالاخره جزو تکالیف شهربانی است اما قانون نیست و آقای دکتر میلسپو هم از قوانینی که ما گذرانیدیم قانون ۲۴ خرداد ۱۳۲۱ و قانون اسفند ۱۳۲۰ کاملاً میتواند استفاده بکند و بهیچوجه احتیاج باین مقررات ندارد بنده اینرا برخلاف وظیفه مجلس میدانم که بخواهد این حق را بگیر بدهد.

وزیر دادگستری (حکمت) - این کلمه مقررات یک سوء تفاهمی ایجاد کرده که ممکن است این سوء تفاهم اسباب زحمت وزارت دارائی بشود بنا بر این بنده یک توضیحاتی میدهم برای آقایانی که مخالفند باین کلمه مقرر که اینجا لغتش است از قرار گرفته میشود یعنی یک قراری که وضع میشود آنرا بهش میگویند مقررات و اما از نقطه نظر اصطلاحی آنچه در ادارات معمول است و آقای فریدونی هم که خودشان تجاوز از سی سال است که این کلمه را استعمال میکنند یعنی دستورها و ترتیباتیکه از برای اجرای یک قانون و آئین‌نامه وضع میشود آیا ممکن است که یک قانونی وضع شود ولی کیفیت اجرائش در آئین‌نامه نوشته نشود محال است و همچنین یک آئین‌نامه نوشته شود و یک دستوراتی تویش نباشد آن دستورات با اصطلاح ما ادارتها مقررات است و هیچ مربوط بقانون نیست و جانشین قانون نیست و حق قانون گذاری نیست این یک

تکلیفی است که دولت همیشه برای اجرای آئین‌نامه‌های قانونی دارد آقای طباطبائی خوب توضیح دادند امروز یک دستوری از طرف یک اداره داده میشود برای یک امر بخصوص این مقررات است و هیچ مربوط بقانون نیست و بنده تصور میکنم که اینجا یک سوء ظنی تولید شده و قابل این نیست که وقت شریف آقایان صرف این بشود و بدون این کلمه هم کار پیش نمیرود آقایان موافقت بفرمائید بهمین نحو رأی گرفته شود.

پیشنهاد آقای دهستانی

ماده ۶ بشرح زیر اصلاح شود: آئین‌نامه و مقرراتی که برای اجرای این قانون لازم باشد رئیس کل دارائی تنظیم و پیشنهاد و پس از تصویب هیئت وزیران بموقع اجرا گذارده خواهد شد.

بعضی از نمایندگان - آقای دهستانی حاضر نیستند

پیشنهاد آقای انوار

بنده پیشنهاد میکنم ماده ۶ این نوع اصلاح شود: آئین‌نامه و مقرراتی که برای اجرای این قانون لازم شود رئیس کل مالیه تنظیم نموده و پس از تصویب هیئت دولت بموقع اجرا گذارده خواهد شد.

انوار - این موضوعی را که بنده پیشنهاد کردم پیشنهاد تنها بنده نیست و عده‌ای در حدود پانزده شانزده نفر هستیم که امضا کرده‌ایم و سایر پیشنهادها هم در همین زمینه است و چاپ هم شده است این یک موضوعی است که مطابق قانون اساسی و مطابق جریان امر است و مسلم است که خود دکتور میلسپو هم هیچوقت از جاده قانون تجاوز نخواهد کرد و خود را دیکتاتور قرار نمیدهد و کاملاً در تحت اختیار دولت است و دولت هم مسئول است و هر وقت تخلفی دیدیم مسلماً دولت را تحت سؤال و استیضاح قرار میدهم حالا چطور شده که این موضوع که پیش هیچکس اشکالی ندارد ما این را نوبی قانون بنویسیم این بعقیده بنده غلط است ما بر رئیس کل مالیه اختیار دادیم که یک عملیاتی بکند و قوانین را اجرا کند و نظامنامه برای اجرای قانون تنظیم کند

و هیئت دولت هم تصویب کند و پس از تصویب اجرا شود البته این موضوع نه به آقای دکتر میلپو برمیخورد و نه بمجلس و نه دولت ما کاری که میکنیم باید مطابق جریان باشد که در مملکت بوده است بنده اینطور شنیدم که در کمیسیون گفته شد که اگر ما میلپو را بگوئیم در تحت نظر دولت باشد از او سلب اعتماد کرده ایم نخیر می خواهید من قسم حضرت عباس میخورم که ما کاملاً بایشان اعتماد داریم ولی نباید از حدود قوانینی که هست تجاوز کنیم ما چطور میتوانیم یک کار باین معظمی را یک دولتی که مسئول ماست بگوئیم دولت نظارت نداشته باشد و در تحت اختیار دولت نباشد من گمان نمیکنم در مجلس ولو هر کس باشد کاسه از آتش گرم تر باشد به آقایان وزراء هم عرض میکنم که لازم نیست که شما هم اینقدر کاسه گرمتر از آتش بشوید باید قوانینی را محترم بدارید و باید آئین نامه این امر بتصویب هیئت دولت برسد.

وزیر دارائی - عرض کنم البته تصدیق میفرمائید که راجع به این قسمت یک اختیاراتی بر رئیس کل مالیه داده میشود برای تثبیت نرخ که یک اقدامات مؤثری بکند البته برای این منظور یک اختیاراتی داده شد که ایشان بتوانند یک تصمیمات و نظریاتی که لازم است عمل کنند و البته آئین نامه ها و مقرراتی که برای این موضوع لازم است نوشته شود و حالا اگر این آئین نامه را ما بخواهیم پس از تصویب هیئت دولت بمورد عمل بگذاریم ممکن است در جریان امر وقفه پیدا کند آن مقصود نظری که ما داریم که بتثبیت نرخ است و باید تصمیمات قطعی رویش گرفته شود به آن نظر سکنه وارد میاید چون آئین نامه نوشتن و مقررات وضع کردن بنظر بنده خیلی کوچک است که ما بخواهیم از ایشان سلب کنیم و البته بنده معتقدم که آقایان موافقت نفرمایند برای اینکه اشکالاتی در جریان امر نباشد و فردا برای اجرای این مقصود یک بهانه نباشد که برای این پیش بینی هائی که در قانون بود ما معطل شدیم بنده عقیده ام این است که حالا که ما یک اختیاراتی میدهیم یکطوری

بدهیم که هیچ راه عذری برایش نباشد و از جهة مقررات اینجا آقای فریدونی فرمودند که مامیگوئیم مقررات قانونی همین دلیل است که وقتی که قانونی نگفتید قانونی نیست و مقررات هم برای قوانینی وضع میشود این یک چیزی است که در تمام وزارتخانه ها و در تمام ادارات ما معمول و مرسوم است و یک چیز تازه نیست و بعلاوه ما اینجا نوشته ایم آئین نامه و مقرراتی که برای اجرای این قانون لازم شده بود البته یک دستورهای کلی است که به قسمت های مختلف داده میشود حالا این اسمش شده است مقررات و همان مقرراتی است که در تمام وزارتخانه ها معمول است به ایشان هم اجازه داده میشود که یک مقرراتی برای اجرای قانون بنویسند و دستوراتی بدهند که منظور قانون عملی شود بنا بر این بنده خواهش میکنم که آقایان موافقت نفرمایند که این ماده بهمین ترتیبی که هست باشد که ما بهانه بدست طرف ندهیم در این موضوعاتی که در نظر گرفته اند هیچ بهانه نداشته باشند که بگویند باین واسطه نتوانستیم فلان نظر را اجرا کنیم

رئیس - آقای انوار
انوار - آقایان شما را بحقیقت حق قسم است توجه نفرمائید بعراض بنده این هیئت دولت قوه مجریه ما است ما قانون مینویسیم بدست کی میدهیم بدست هیئت مجریه میدهیم غیر از این است؟ و باید قوه مجریه تحت نظر اینها باشد همه آقایان تصدیق دادند بنده که نمی خواهم وزیر بشوم هیچ اولادهای خود را هم نفرین کرده ام که داخل سیاست نشوند نکته این است که ما قانون مینویسیم و میدهیم بدست قوه مجریه قوه مجریه در اجرا کردن دستورات باید بتصویب اینها برسد دارد این آئین نامه و این دستورات باید بتصویب اینها برسد آقایان چنان است که اینقدر دلتان می لرزد؟! آقایان شما باید نظامنامه را تنظیم کنید آقای بیات که بقدری کاسه گرمتر از آتش است که میگوید یکساعت تأخیر میافتد نخیر آفتا نخیر نمیافتد این چه بهانه ایست که شما میخواهید یک حقی را از خودتان سلب کنید چرا اینطور شده اید اگر یک مارشال هم بیاید بهتر کار میکند ما زیر بار برویم؟ این کار را بکنید

آقایان اجرا در دست شما است ما گفتیم به این شخص ما نهایت اطمینان را داریم این اختیار را میدهیم اما اجرایش را آئین نامه اش را چشمتان را هم نگذارید و امضاء کنید. اخ
رئیس - موافقین با پیشنهاد آقای انوار برخیزند (عده برخاستند)
نبیل سمیهی - عده که برخاستند سی و هشت نفر هستند
امیر تیمور - عده ای هم از این طرف برخاسته اند.
جمعی از نمایندگان - مشکوک است آقا با ورقه رأی بگیری.

طباطبائی - آقای نبیل شمردند اکثریت نبود و تصویب نشد.
رئیس - آقا بعد از اینکه آقایان گفتند مشکوک است دیگر نمیشود با ورقه رأی میگیریم آقایانیکه موافقت ورقه سفید میدهند (اخذ و شماره آراء بعمل آمده ۴۳ ورقه سفید تعداد شد.)

رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای ملک مدنی بنده حذف کلمه مقررات را پیشنهاد مینمایم.
ملک مدنی - بنده خیلی متاسفم که چرا برای یک امری که از حقوق نمایندگان است وقتی که در مجلس بحث میشود و اختلاف نظر میشود مورد مشاجره و یک کدورت هائی میشود خوب یک مطلبی در مجلس مطرح میشود یکدسته موافق هستند یکدسته مخالف اصلاً فلسفه مشروطه حکومت شوروی همین است یک مطلبی است فرضاً آقای طباطبائی با آن موافقت و بنده مخالف بنده نظر خودم را عرض میکنم و استدلال میکنم ایشان هم همینطور و حکومت با مجلس و رأی مجلس است بنده خواهش میکنم که این حقیقت را ما از بین ببریم اما در اصل مطلب بنده حذف کلمه مقررات را پیشنهاد کردم و در جلسه قبل هم عرض کردم بعقیده بنده کلمه مقررات مفهوم خارجیش این است که حق وضع قانون دارد این عقیده شخص بنده است شاید جماعتی هم با این عقیده موافق باشند این است که بنده حذف این کلمه را پیشنهاد

کردم حالا بسته بنظر مجلس است.
رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای ملک مدنی آقایان موافقین برخیزند (اغلب برخاستند) تصویب شد.
وزیر دارائی - همانطور که عرض کردم مقصود از این کلمه مقررات همان دستوراتی است که برای اجرای قوانین داده میشود و البته این هم لازمه اجرای هر قانونی است حالا مجلس شورای ملی این کلمه را میل ندارند در قانون باشد ما هم موافقت میکنیم که کلمه مقررات نباشد و حالا رأی بماده گرفته شود.

انوار - آقا این اصلاح را چون مجلس قبول کرد باید لایحه برود بکمیسیون طبق ماده ۶۳ نظامنامه.
بعضی از نمایندگان - دولت قبول کرد مانعی ندارد.
وزیر دارائی - عرض میکنم وقتی که پیشنهادی را مجلس قبول کرد معنایش این است که اکثریت میل دارد اینطور بشود و وقتی که دولت قبول کرد دیگر نظر اکثریت را قبول کرده و مانعی ندارد که بقیه قانون مطرح شود (صحیح است)

رئیس - پیشنهاد آقای مؤید احمدی هم حذف کلمه مقررات است چون حذف شد دیگر نظرشان تامین شده.
آقای ناصری:

ناصری - هیچکس مایل نیست که مجلس اختیار قانون گذاری خودش را از دست بدهد و یقیناً خود آقای دکتر میلپو هم مایل نیست ولی چیزی که هست بطوری که این جا توضیحاتی هم داده شد این مسئله قابل دقت است یک مقرراتی برای اجرای قانون لازم است لهذا بنده پیشنهاد کردم که بجای مقررات بنویسیم دستورات چون وضع مقررات مربوط به آئین نامه نیست اگر فردا باستناد اینکه این کلمه را حذف کردیم یک اشکالاتی پیش نمی آید که بنده هم عرضی ندارم و الا بجای مقررات کلمه دستورات را پیشنهاد میکنم.

وزیر دارائی - بنده در شور اول هم عرض کردم البته یک اختیاری که بیک کسی داده میشود باید آن اختیار بموقع

اجرا گذارده شود و بنده تصور نمیکنم که يك اختیاری بيك شخصی داده شود و بعد دست و پای او را به بندند که آن اختیار را نتواند اجرا کند البته باید آن قسمت هائی را که صلاح میداند بموقع اجرا بگذارد این جا این مقررات و آئین نامه که نوشته شده بود از نظر این بود که ایشان مطابق همان ترتیب اروپائی خواستند که در این قانون هم نوشته شود حالا مجلس عقیده شان این بود که کلمه مقررات لازم نیست و بنده هم موافقت کردم که مقررات نباشد ولی البته آئین نامه هائی است که البته وضع میشود و بموقع اجرا گذارده میشود و يك دستور هائی هم هست که برای اجرای این اختیارات تنظیم میکنند و دستور میدهند که مأمورین اجرا کنند حالا اینها را میخواهید اسمش را دستورات بگذارید میخواهید مقررات بگذارید هر چه گذاشته شود این روی اختیار ایشان هست و بنده هم از این جهت موافقت کردم که کلمه مقررات برداشته شود ولی البته دستورها و مقررات و چیزهائی که برای اجرای این قانون لازم باشد خود ایشان بر حسب اختیاری که دارند وضع خواهند کرد و دیگر کلمه دستور لزومی ندارد.

مؤید احمدی - بنده هم پیشنهاد را مسترد میکنم.

پیشنهاد آقای منشور - دز سطر دوم رئیس کل دارائی در حدود قوانین مصوبه تنظیم و بموقع اجرا خواهد گذاشت **جمعی از نمایندگان** - پس گرفتند.

رئیس - موافقین با ماده ششم برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده هشتم که حالا ماده هفتم خواهد بود قرائت میشود.

ماده ۷ - کارمندان دولت اعم از کشوری و لشگری و شهرداریها و بنگاههای دولتی بهیچوجه حق ندارند در امور خرید و فروش و دلالتی کالاهائی که تحت نظارت دولت است برفع خود مداخله نمایند و در صورت تخلف از خدمت منفصل و بر طبق مقررات قانون مجازات خواهند شد.

نقابت - عرض کنم که این ماده جزو پیشنهاد دولت نبود و در کمیسیون اتفاقاً بنده برای کار دیگری شرفیاب

لباس نباشد؟ جوراب نباشد؟ (همهمه نمایندگان) اجازه بفرمائید مقصود آقایانیکه این ماده را پیشنهاد کردند بنده عرض کردم و عرض کردم که من عضو کمیسیون نبودم اتفاقاً رفتم آنجا و این ماده با این صورت ناقص در کمیسیون پیشنهاد شده بود و مقصود آقایان این است که کسی وارد در این مرحله معامله نشود دلال و واسطه نشود شرکت در این عمل نکند زیرا ممکن است اداره فلان شرکت خودش دلالی در کار بکند ظاهراً بعنوان اقوام و خویشان ولی باطناً بجهت خودش داخل در عمل بشود اینها تمام مقرراتی است که ما داریم در قوانین مان در قانون کیفر عمومی داریم در قانون منع احتکار داریم در همه جا داریم آنوقت این مقصود مقدس را که آقایان توجه دارند و اصولی و قانونی هم هست وقتی میخواهند بنویسند يك جوری مینویسند که دست قاضی که افتاد اسباب اشکال میشود و امور خرید و فروش و امور دلالی شد چیز است بجای خرید و فروش اضافه کنند تجارت و دلالی اینهم بجای خودش باشد زیرا تجارت یعنی هر عملی برای جلب نفع از ان خریدن و گران فروشی و استفاده از نفع آن کردن این کار را بکنند اما خرید برای مایحتاجش را که حق دارد و اگر نباشد دوتا دله روغن خرید یا مأمور دولت يك دانه قالی خرید و بعد برای اینکه مأموریتش انتقال پیدا کرد فروخت این را نمیشود محدودش کرد که يك عده میگویند آقا و کلای مجلس را هم ضمیمه بکنید بعقیده بنده بجای اینکه این عبارت را باینصورت وسعت بنویسیم گمان میکنم بنویسند که کارمندان دولت و هر کس بنا باقتضای وظیفه اش در امور مربوطه بخرد و فروش کالاهای انحصاری دخالت دارد حق ندارد که داخل در امور تجارت و دلالی این امور بشود البته چون اموری که با آقای دکتر میلسپو بر گذار شده کالاهای غیر خوارباری است یعنی تمام مواد زندگانی است خواربار که مستثنی شد (که بنا بود ضمیمه بشود و رفت کنار) میماند سایر مواد چون تصمیم دارد کار دکتر میلسپو بتمام مواد، قالی، حتی دوربین عکسی وجه و چه و آنهمه را میگیرد بنا بر این اختیار آنوقت شما

تمام يك جامعه را جامعه مأمورین را از خرید و فروش ممنوع کنید این صحیح نیست خرید و فروش، خرید آزاد است بنا به مایحتاج خودش يك مأمورینی هستند خوب يك تکه زمین میخرند میفروشند يك تکه قالی میخرند میفروشند. اگر در امر خواربار که مایحتاج ضروری زندگی عمومی است دخالت کردند باید گرفت و مجازات کرد اما در مواد دیگر که جزء مایحتاج ضروری نیست یا اینکه دولت کلای ضروری تشخیص نمیدهد چرا این قید را بکنیم بنده عقیده ام این است که یا این را مواد خوارباری بکنند یا حوائج اشخاص را استثناء بکنند یا عبارت را بصورت تجارت دلالی اصلاح کنند والا این کلمه خرید دست همه را می بندد و يك عده مجرم سر بار این مملکت میکنند.

وزیر کشاورزی - بنده تصدیق میکنم که نماینده محترم برای منقلب کردن مطلب يد قوی دارند ولی باید عرض بکنم که مطلب اینطوری نیست که فرمودند این پیشنهاد هم از طرف نمایندگان مجلس شد پیشنهادی بود که از طرف آقای مرآت اسفندیاری شد در کمیسیون طرح شد کمیسیون هم موافقت کرد و بنده خیال میکنم آقای نقابت اگر دنباله ماده را مطالعه میکردند این فرمایش را نمیکردند ما نوشته ایم در امور خرید و فروش البته اینجا هم يك جمله اضافه میشود «بعنوان تجارت» و دلالی کالاهائی که تحت نظارت دولت است برفع خود مداخله نماید آنوقت این حق ندارد پس این مقالی را که آقای نقابت فرمودند در اینجا هیچ مورد پیدا نمی کند و اگر يك نفر کارمند بخواد لباس بخرد برای خودش یا بخواد احتیاجات ضروری خودش را تهیه بکند منعی ندارد ما گفتیم آن چیزی که در تحت نظارت دولت باشد و دولت اعلان میکند و مطابق همین قانون آگاهی خواهد کرد مستخدمینی که اجرای این قانون بعهده آنها است حق مداخله ندارند و بنده خیال میکنم این جا مطلب به نفع مستخدمین است و همینطوری که فرمودید البته این جامعه يك جامعه ایست که ما باید آنها را حفظ کنیم و از این اتهاماتی که متأسفانه اکثرش غلط است و متوجه این جامعه

مستخدمین شده است دور بداریم و آنها بتوانند وظایف خودشان را بطور صحیح انجام بدهند. نمایندگان مجلس را که فرمودید گفته اند جزء این ماده بشود آنها حق ندارند این حرف را بزنند نمایندگان مجلس مستخدم دولت نیستند ما که وضع يك قانونی را میکنیم میگوئیم مستخدمین دولت آنهائی که مداخله در این امور دارند و مطلع میشوند از تصمیمات دولت در این کار شرکت نکنند و دخالت نداشته باشند البته تصدیق میفرمائید وقتی که اطلاع داشت وقتی که مسبوق شد يك نفری که خودش باید این وظیفه را اجرا کند زودتر مطلع شد هیچ اشکال ندارد که آن مورد را بنفع خودش معامله بکنند و آن يك نفر يك جامعه مستخدمین را متهم میکند باین جهت پیشنهادی که آقای مرآت کردند در کمیسیون مورد توجه واقع شد و بنده برای اینکه هیچ نگرانی نباشد این کلمه را اینجا اضافه میکنم در امور خرید و فروش بعنوان تجارت و دلالی کلاهائی که الی آخر آنوقت رفع اشکالی که فرمودند میکنند و نظیر این هم پیشنهادی است که از طرف یکی از آقایان شده است و کاملاً هم بنفع مستخدمین است.

رئیس - آقای ملک مدنی.

ملک مدنی - بنده عقیده ام این است که این ماده پیشنهاد مفیدی است و بالاخره صحبت هائی گاهی شده است که اشخاص از موقع و مقام خودشان و اطلاعی که دارند استفاده میکنند البته آنها باید مورد توبیخ و مواخذه واقع شوند حتی نماینده مجلس شورای ملی هم اگر سوء استفاده کرد برخلاف وظیفه اش عمل کرده و باید مورد تعقیب واقع شود این يك فکر مقدس است و اصل مسلمی است و خوشبختانه در مجلس شورای ملی نماینده و و کیلی نیست که اینکار را داشته باشد ولی بنده میخواهم عرض کنم اگر یکی از جرایدهم در این موضوع چیزی نوشته و تذکر داده است و خواسته است ساحت مجلس از این اتهامات دور باشد بنده عقیده ام این است که لازم است و ضرور است و اگر نباشد ممکن است اشخاص سوء استفاده بکنند.

رئیس - پیشنهاد آقای انوار:

پیشنهاد میکنم ماده هفتم این نوع اصلاح شود. کلیه اشخاصی که از بودجه کشور حقوق میگیرند اعم از لشکری و کشوری از نمایندگان مجلس شورای ملی و کارمندان مؤسسات و بنگاههای دولتی نباید در امور خرید و فروش الی آخر ماده رئیس آقای انوار.

انوار - بنده با مطالعه این پیشنهاد را نوشتم. مخصوصاً روزنامه های دیشب بعضی ها این موضوع را تذکر داده بودند ما باید بقدر امکان کاری بکنیم که این جهلات واقع نشود حالا بنده این پیشنهاد را که کردم مقصودم این است که کسانی که از بودجه کشور استفاده میکنند در آن مقدار کالائی که در تحت نظر دولت و دست دولت باشد نباید مدافعه بکنند اعم از اینکه و کلای مجلس باشند اعضاء ادارات نماینده های مؤسسات و شهر داری ها و غیر باشند مداخله نکنند این موضوعی را که بنده نوشتم از بیانات آقایان وزراء و آقای ملک مدنی دیگران هم استفاده میشود بنده هم منظورم همین است حتی خود وزراء هم نباید مداخله کنند بنابراین بنده نوشتم هر کس که از بودجه کشور استفاده میکنند نباید در این امر مداخله بکنند.

مخبر - باین پیشنهاد آقای انوار از این نقطه نظر نمیشود موافقت کرد که با روح نظر پیشنهاد دهنده اولی درست تطبیق نمی کند پیشنهاد اولی منظورش این بود اشخاصی که مأمور اجرای این قانون هستند برای اینکه سوء استفاده از مقام خود نکنند و ضروری بجامعه وارد نیاید چون اطلاعات اداری دارند مطابق خبر کمیسیون آنها را منع میکنند از مداخله در امور تجارت و دلالی و منظور اصلی همین است که از نظر اطلاعات اداری که این اشخاص دارند صدمه بجامعه نرسانند منظور این نیست که اشخاص دیگری مثل فلان و کیل مجلس که شغلش تجارت است او را مانع از تجارت بشویم این حق را ما نداریم حقوقی که مجلس به و کلا میدهد تصدیق میفرمائید کفایت ده روز خرجشان را نمی کند این باید گرسنه بماند و تجارت نکند! ما نباید مردم را از شغل خودشان باز بداریم يك قست ما و کیل داریم که شغلشان تجارت است ما چه حق

داریم که آنها را از حق خودشان محروم کنیم منظور اصلی این است که مجریان این قانون استفاده از اطلاعات خودشان نکنند ضروری هم بجامعه ترند این را تعمیم بدهیم بتمام کارمندان و تمام و کلای مجلس معنی ندارد البته و کیل مجلس یا وزیر یا و کیل عدلیه یا استحقاق دیگر نباید از مقام خودشان سوء استفاده بکنند و ضروری هم بجامعه بزنند و اگر بزنند البته ما قوانین داریم مقررات داریم آنها را تعقیب میکنیم و مجازات میکنیم البته هیچ مربوط باین قانون نیست از طرف دیگر بنده يك چیزی را میخواهم اضافه کنم بنده برخلاف پیشنهاد آقای انوار معتقد نیستم که مقررات این ماده شامل طبقات مستخدمین بشود بنده در کمیسیون این را مثال زدم فرض بفرمائید فلان رئیس مدرسه یا فلان کارمند که بامور اقتصادی ابدأ مداخله ندارد او را ما چرا مانع بشویم که برود يك قالی بخرد بعد از مدتی بیشتر بفروشد یا برود جنس از انبار دولت بخرد بعد بفروشد بعقیده بنده ما این حق را نداریم که جلوگیری بکنیم از خرید و فروش مشروع مردم مقصود ما این است که آنهائی که این قانون را اجرا میکنند مداخله درین کار نکنند و سوء استفاده نکنند.

انوار - بنده پس میگیریم پیشنهاد را.

رئیس - پیشنهاد آقای یمین اسفندیاری.

بنده پیشنهاد میکنم در ماده هفتم لایحه اختیارات رئیس کل دارائی بعد از بنگاههای دولتی اضافه شود در سر خدمت هستند.

رئیس - آقای یمین اسفندیاری.

یمین اسفندیاری - با توضیحاتی که آقایان دادند آقای وزیر کشاورزی و آقای مخبر کمیسیون بنده احتیاج ندارم در اطراف این موضوع زیاد صحبت کنم مستخدمین دولت آنهائی که منتظر خدمت هستند و متقاعد هستند علتی ندارد که مشمول این قانون بشوند برای اینکه آنها نه اطلاعی از معاملات دولت پیدا میکنند و در عین حال هم با این حقوق کمی که از حیث انتظار خدمت و تقاعد دارند مانعی ندارد که آزاد باشند و بتوانند از يك کار مشروعی استفاده بکنند

باین مناسبت بنده آنهائی را که سر خدمت هستند اگر دولت موافقت میکند تقاضی میکنم اضافه شود

رئیس - رأی میگیریم موافقین باین پیشنهاد آقای یمین اسفندیاری برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. پیشنهاد آقای رضوی:

ماده هفتم بنحو زیر اصلاح شود:

ماده ۷ - هیچیک از افرادی که از هر طبقه مربوط بدستگاه دولت و مجلس و شهر داری ها هستند حق ندارند در امور خرید و فروش و دلالی کلاهائی که تحت نظارت دولت است بنفع خود بنحو بازرگانی و استفاده مداخله نمایند در صورت تخلف از خدمت منفصل و بر طبق مقررات قانونی مجازات خواهند شد

رئیس - آقای رضوی

رضوی - همینطور که بعرض آقایان رسید این ماده که بنده پیشنهاد کردم يك تغییر عباراتی دارد با آن ماده اصلی بعلاوه اینکه آن قسمت بازرگانی هم اضافه شده که جامع تر باشد برای اینکه منظور این نیست که بهر نحوی از انحاء باشد منظور این است که بنحو بازرگانی نباشد چون اساساً کمی از مستخدمین یا غیر مستخدمین هستند که مربوط بدولت باشند و در اینگونه موارد سوء استفاده نخواهند بکنند اما متأسفانه هر قدر موارد جزئی و مختصر باشد ولی معذرت آنکه يك بهانه بدست میدهد که هر شخص دیگری که بهر عنوان خواست استفاده بکند آنها را مورد تهمت قرار میدهند و از این جهت همینطور که آقای وزیر کشاورزی فرمودند يك خدمتی است به مستخدمین و حقوق بگیر ها زیرا اینها اگر بخواهند يك وقت استفاده هم بکنند يك استفاده قلبی است آنوقت بد نامی آنها در هر حال صد برابر آن استفاده مختصری است که کرده اند از این جهت بسیار ماده خوبی است همین ماده هم که بنده پیشنهاد کردم با این عبارت اگر مورد قبول دولت هست که بنده حرفی ندارم و اگر نه مسترد میدارم.

وزیر دارائی با اینکه آقای وزیر کشاورزی هم بیان

کردند که آن عنوان تجارت درش اضافه شود گمان میکنم نظر آقای رضوی کاملاً تأمین بشود اگر موافقت بفرمائید بهمان صورت باشد بهتر است

رضوی - مسترد میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای مجد ضیائی :

کار مندان دولت اعم از کشوری و لشکری و شهرداری و بسگاههای دولتی که متصدی خرید و فروش کالاهای دولتی هستند حق ندارند در امور کالاهائی که در تحت نظارت دولت است برفع خود مداخله نمایند در صورت تخلف از خدمت منفصل و بر طبق مقررات قانون مجازات خواهند شد

مجد ضیائی - رأی بگیرید

رئیس - موافقین با پیشنهاد آقای مجد ضیائی بر خیزند (عده کمی برخاستند) تصویب نشد . پیشنهاد آقای مؤید احمدی :

برفع خود و کسان خود اضافه شود

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - نظریاتی که اظهار میشود جنبه افراط و تفریط است گاهی از آن طرف و گاهی از این طرف جیلا بنظر بنده این آمد که يك كسى مستخدم دولت است خودش معامله نمیکند میدهد باخوی خودش باین جهت بنده پیشنهاد کرده ام خود و بستگانش باشد

بعضی از نمایندگان - پس گرفتند

مؤید احمدی - بلی پس گرفتم

رئیس - پیشنهاد آقای نقابت :

بجای کلمه خرید و فروش کلمه تجارت نوشته شود

نقابت - بعنوان تجارت . خرید و فروش بعنوان تجارت

وزیر کشاورزی - صحیح است خرید و فروش بعنوان

تجارت را قبول میکنم

مخبر - صحیح است بنده هم قبول میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای طباطبائی :

پیشنهاد میکنم بشرح زیر در سطر سوم پیش از کلمه برفع خود اضافه شود و همچنین مواد خواربار بمنظور کسب و اضافه

براحتیاجات شخصی خود .

رئیس - آقای طباطبائی .

طباطبائی - اگر موافقت بفرمائید نظر آقا تأمین میکند

برای اینکه علت اینکه این قید شده خواستیم دخالت نکنند در این امور دلالی اگر اینجا تصریح شود در امر خواربار هم مستخدمین دولت مداخله کنند مثلاً فرض بفرمائید مستخدمین خود وزارت خواربار مستخدمین شهرداری آنهائی که بیشتر در امر خواربار عمومی دخالت دارند و اطلاعات دارند کار هم دست آنها است البته هم یقین دارم نظر دولت همین است که آنها هم نباید دخالت بکنند بنا بر این موافقت بفرمائید که این تصویب بشود .

فخست وزیر - دومرتبه بخوانند .

(پیشنهاد آقای طباطبائی دو مرتبه خوانده شد)

فخست وزیر - موافقت میکنیم .

مخبر - بنده هم موافقم .

رئیس - ماده هفتم با اصلاحات قرائت میشود :

ماده هفتم - کار مندان دولت اعم از کشوری و لشگری و شهرداری و بسگاههای دولتی بهیچوجه حق ندارند در امور خرید و فروش بعنوان تجارت و دلالی کالاهائی که تحت نظارت دولت است و همچنین مواد خواربار بمنظور کسب و اضافه بر احتیاجات شخصی برفع خود مداخله نمایند . در صورت تخلف از خدمت منفصل و بر طبق مقررات قانون مجازات خواهند شد .

رئیس - موافقین با ماده هفتم باین طریق که خوانده شد بر خیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد . ماده هشتم :

ماده ۸ - این قانون تا نسخ آن از طرف مجلس شورای ملی بقوت خود باقی خواهد بود ولی در هر صورت شش ماه بعد از خاتمه جنگ کنونی از اعتبار ساقط خواهد بود .

رئیس - آقای طباطبائی .

طباطبائی - عرض کنم که این ماده بنظر من لازم نیست

زیرا لازم نیست کسی تکلیف برای مجلس معین کند تکلیف مجلس شورای ملی معین است هر وقت قانونی را لازم ندارند

با از طرف دولت پیشنهاد میشود یا طرحی تهیه میکنند میآورند اینجا که فلان قانون نسخ شود اولاً موافقت بفرمائید که این ماده را اصلاً برش داریم هر وقت که مقتضیاتی پیدا شد که این قانون را مجلس لازم دانست نسخ بکنند برش میدارد و اگر هم ماده را میخواهیم باین شکل بماند این عبارت خوب تنظیم نشده مینویسد ! این قانون تا نسخ آن از طرف مجلس شورای ملی بقوت خود باقی خواهد بود ولی در هر صورت شش ماه بعد از خاتمه جنگ کنونی از اعتبار ساقط خواهد بود . این در هر صورت یعنی چه از طرف مجلس نسخ بشود چه نشود تا شش ماه بعد از جنگ بقوت خود باقی خواهد بود . معنای این عبارت این است که از شش می فهمم پس در هر حال این قانون تا شش ماه بعد از جنگ است ولو مجلس نسخ بکند (وزیر کشاورزی - نه نه) عبارت اینطور است دیگر . توجه بفرمائید در هر صورت یعنی چه ؟ یعنی چه از طرف مجلس نسخ بشود چه نشود تا شش ماه بعد از جنگ بقوت خودش باقی است و حال آنکه ممکن است شش ماه قبل از خاتمه جنگ مجلس این را لازم نداند و بخواهد نسخ کند آنوقت تکلیف چیست ؟

مخبر - البته تصدیق میفرمائید که يك همچو قانونی که يك اختیارات فوق العاده بيك شخصی میدهد البته این قانون مدت میخواهد مجلس نمیتواند يك اختیاراتی را بدون مدت بدهد ولی از طرف دیگر چون احتمال قوی میرود تا آخر جنگ فعلی وضعیت همینطور بحران آمیز باشد و لازم باشد که همچو اختیاراتی اصلاً تا آخر جنگ داده شود باین جهت نوشته شده است اگر این قانون از طرف مجلس لغو نشده است بخودی خود شش ماه بعد از خاتمه جنگ کنونی ملغی است اینجا این معنی را نمیرساند که اگر مجلس این را قبل از خاتمه جنگ کنونی لغو کرد بقوت خود باقی خواهد ماند ! خیر اینجا نوشته شده است در هر صورت شش ماه بعد از جنگ کنونی از اعتبار ساقط است یعنی اگر مجلس لغو نکرد یا مجلس نبود و فترتی بود که نشد این قانون را لغو بکند بعد از شش ماه از خاتمه جنگ

کنونی از اعتبار ساقط است .

وزیر خواربار - عرض کنم اعتراض آقای طباطبائی نسبت باین عبارت وارد است برای اینکه نوشته شده است در هر صورت تا شش ماه بعد از جنگ کنونی و این در هر صورت معنایش این است یعنی خواه مجلس نقض کند یا نکند (همه هم نمایندگان) عجب داستانی است ! حالا من اختلاف نظری با آقای طباطبائی داشتم یا ایشان با من اما حرف حسابی راهم نباید گوش داد؟! این عبارت باید اینطور باشد که در صورت عدم نسخ تا شش ماه بعد از جنگ بقوت خود باقی است (صحیح است)

وزیر دارائی - بنده این عبارت را اینطور اصلاح کردم ممکن است آقای طوسی توجه بفرمائید اینطور بشود این قانون تا نسخ آن از طرف مجلس شورای ملی بقوت خود باقی خواهد بود ولی در صورتیکه از طرف مجلس نسخ نشود شش ماه بعد از خاتمه جنگ کنونی از اعتبار ساقط خواهد بود .

رئیس - پیشنهاد آقای امیر تیمور :

اصلاح ماده ۹ را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم - ماده ۹ این قانون برای یکسال معتبر است و در انقضای مدت دولت میتواند تمدید آن را از پیشگاه مجلس درخواست نماید .

رئیس - آقای امیر تیمور

امیر تیمور - آنطوری هم که آقای بیات ماده را اصلاح فرمودند منظور این است که تا شش ماه بعد از جنگ این اختیار داده شود بنده اشکال دارم یعنی با این نظر آقای وزیر دارائی منظور این است که اگر این جنگ کنونی اروپا بحال خود باقی باشد اثرات جنگ هم در کشور ما خواهی نخواهی خواهد بود این اختیارات باشد که از این اثرات جنگ کاسته شود . این منظور دولت است ولی میشود فرض کرد که جنگ اروپا تمام شود دوسال دیگر ولی فرض دیگر هم هست که جنگ کنونی که دامنه اش به جنگ امریکا و ژاپن کشیده شده است بیست سال طول

بکشد این فرض هم میشود و خود سیاسیون اروپا هم میگویند که ممکن است جنگ ژاپن و امریکا سالهای سال دوام پیدا کند و بیست سال طول بکشد (یک نفر از نمایندگان آن جنگ عمومی نیست) پس جنگ اروپا لااقل بنویسند که جنبه عمومی نداشته باشد نه جنگ کنونی عالم زیرا ممکن است جنگ کنونی عالم هفت هشت سال ده سال بیست سال دوام پیدا کند پیشنهاد بنده این است که این قانون مدت یکسال معتبر باشد پس از یکسال اگر دولت لازم دانست تمدیدش را از پیشگاه دولت درخواست بکند.

وزیر دارائی - البته همینطوری که فرمودند این قانون را در اثر جنگ کنونی احتیاج پیدا کردیم وضع کنیم و وقتی که جنگ تمام بشود احتیاج ما هم رفع میشود پس مدت احتیاج ما جنگ کنونی است ولی همینطور که فرمودند از نقطه نظر اینکه ممکن است جنگ کنونی زیاد طول بکشد و مواعی که ما داریم مواعی ما مرتفع شود فرض بفرمائید در قسمتهای دورتر باشد در ما تأثیری نداشته باشد باین جهت این نسخ را از طرف مجلس ما گذاشتیم که در هر موقعی که مقتضی باشد مجلس بتواند این را نقض کند حالا چه از حیث جنگی چه از حیث جهات دیگری مابیک اختیاری گذاشتیم برای مجلس که اگر مقتضی دانست هیچ مدت هم ندارد سه ماه دیگر یکسال دیگر ۲ ماه دیگر مقتضی دانست که این قانون برای مملکت مفید است بحال خودش باقی است اگر مقتضی ندانست هر موقعی خواست نقض کند اما از نقطه نظر اینکه اگر مجلس هم نقض نکرد تا شش ماه بعد از جنگ این خودش بخودی خود نسخ شود.

امیر تیمور - توضیح آقای بیات نظر بنده را تأمین کرد بنابراین پیشنهادم را مسترد میکنم.

بیات - مرسی.

پیشنهاد آقای دکتر ادهم.

پیشنهاد میکنم ماده ۸ همینطور نوشته شود.

این قانون تا شش ماه پس از خاتمه جنگ کنونی بقوت خود باقی خواهد بود مگر اینکه قبلاً از طرف مجلس ملغی شود

دکتر ادهم - این اصلاح عبارتی است و خیلی هم ساده است. تا شش ماه بعد از جنگ کنونی است که بقوت خود باقی است مگر اینکه مجلس قبلاً ملغی کرده باشد. (صحیح است) **بعضی از نمایندگان** - بسیار خوب است.

رئیس - عبارتاً این بهتر است.

نخست وزیر - یکمرتبه دیگر بخوانید (بشرح زیر خوانده شد).

این قانون تا شش ماه پس از خاتمه جنگ اروپا بقوت خود باقی خواهد بود مگر اینکه قبلاً از طرف مجلس ملغی شود.

نخست وزیر - جنگ کنونی.

وزیر دارائی - (آقای بیات) موافقت میکنم با این پیشنهاد آقای دکتر ادهم.

هاشمی - جنگ کنونی راهم عمومی کنیم که اگر جنگ ژاپن و امریکام شد بیرون برود جنگ کنونی یعنی چه **طباطبائی** - این که معنی ندارد همانجور که آقای امیر تیمور فرمودند ممکن است جنگ ژاپن و امریکا طول بکشد.

مخبر - بنده هم با همین لفظی که آقای وزیر مالیه هم موافقت کردند موافقت میکنم که تأمین بکنند نظر همه را.

پیشنهاد آقای روحی.

پیشنهاد میکنم که کلمه اروپا پس از جنگ علاوه شود **روحی** - عرض کنم فعلاً جنگ در اروپاست و این قانون هم در ایران عمل میشود در هر گوشه دنیا ممکن است جنگ محلی اتفاق بیفتد بعد بگویند تا خاتمه جنگ این است که بنده پیشنهاد کردم در اروپا صلح شد شش ماه بعد این قانون ملغی شود.

وزیر دارائی - گمان میکنم این کلمه ذکرش موردی نداشته باشد زیرا همانطور که عرض کردم جنگ کنونی که نوشتیم دیگر احتیاج باین موضوع ندارد و تقاضا میکنم پیشنهادشان را مسترد بدارند. **پیشنهاد آقای انوار**.

پیشنهاد میکنم ماده نهم این نوع نوشته شود اعتبار این قانون دائر بودن مجلس است چنانچه بین مجلس دائر و مجلس بعد اجباراً فترتی رو دهد در موقع فترت این اختیار بدولت بر گذار خواهد شد پس از افتتاح مجلس آنچه مقتضی است خواهد نمود.

انوار - بنده اجمالاً یک تاریخی را بعرض مجلس رساندم این تاریخ که عرض کردم توجه نکردند در کمیسیون و مجلس توجه نشد حالا محتاج بتذکر از تاریخ نیستم منتهای چیزی که هست آقایان همه تصویب میکنند این اختیار را تا خاتمه جنگ ما کاری باینها نداریم که این اختیار برای رئیس مالیه ما بوده است مادادیم که مجلس دایر است اگر چنانچه بین مجلس پیش فترتی واقع شد اختیار بدولت است بعد دو مرتبه مجلس آمد مجلس دیگر کار خودش را بکنید این دیگر محتاج به بیان نیست **وزیر دارائی** - بنده امیدوارم که هیچوقت همچو فکری برای ما پیدا نشود که همینطور که قانون اساسی ما گفته است بایستی هیچ تعطیل در امور مجلس نباشد و دولت هم امیدوار است انشاء الله بتواند این قانون را بموقع اجرا بگذارد و فترتی هم پیش نیاید بنابراین این قسمت زاید و ذکرش احتیاج ندارد نظر دولت هم این است و امیدوارم که همینطور باقی باشد که مجلس ها هم در هر حال دائر باشید اینجا مجلس هم البته حالا هفت ماه باقی است در این مدت همه نوع نظری بخواهید میتوانید اتخاذ بکنید و خواهش میکنم که آقای انوار پیشنهادشان را استرداد کنند.

انوار - چون بنده قانع شدم از بیانات آقای بیات مسترد میکنم.

رئیس - موافقین با ماده ۸ پیشنهادی آقای دکتر ادهم با اصلاحاتی که شده بر خیزند (اغلب برخاستند) تصویب شد.

ماده الحاقیه تبصره پیشنهادی آقای دکتر ملکزاده.

تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم:

دکتر میلسپو مکلف است وضعیت معاش مستخدمین دولت را تحت مطالعه قرار داده و تصمیمات لازمه اتخاذ نماید.

دکتر ملکزاده - این را همانطور که توضیح دادند این را بعنوان تبصره ماده اول که شاید خیال میکردم تناسب دارد تهیه کردم و البته همه میدانیم و اطمینان داریم توجه بفرمائید بنده یقین دارم وضعیت و موقعیت سخت مستخدمین دولت که در حقیقت ممکن است مورد توجه مخصوص دولت واقع شود و حقیقتاً این اصل بوده است که وضعیت مستخدمین فوق العاده رقت آور است ملاحظه بفرمائید شاید صدی هشت از آنها حقوق ماهیانه شان برای خرید دو جفت کفش برای اولادشان کافی نیست این دیگر چیزی نیست که محل شبهه باشد و اگر ما طرفدار این اصل هستیم که این مملکت باید در راه اصلاحات خیر برود تا وضعیت هیئت مدیره مملکت که عبارت از مستخدمین دولت باشند ماداً و معناً اصلاح نشود و آنها سرمشق برای راستی و درستی برای مردم نشوند نباید امیدواری داشته باشیم پس باید اصلاح وضعیت مستخدمین و مأمورین باید در درجه اول مورد مطالعه و دقت قرار بگیرد حالا اگر راه دیگری در نظر گرفته اند از برای تأمین این مقصود بفرمائید بنده مسترد میکنم اگر عقیده دولت این است که این وضعیت را بهمین حال باید برای مستخدمین گذاشت این یک موضوع دیگری است بنابراین تقاضا میکنم توضیح بدهند اگر طریق دیگری در نظر گرفته اند که مسترد میدارم اگر نیست که موافقت بفرمائید که دکتر میلسپو این موضوع مهم را بالاخره جزء وظایف خودش قرار بدهد و اصلاح بکند.

نخست وزیر - بنده تصور میکنم که بین افراد کشور حقیقتاً اوضاع زندگانی مستخدمین دولت از همه متأسفانه مشکلتر است و این پیشنهادی که آقای دکتر ملکزاده فرمودند جزو یکی از قسمتهائی است که دولت هم در نظر دارد و رویش هم اقدام کرده و کمیسیونهائی هم تشکیل شده است مخصوصاً از معاونین و زارتخانهها که بیشتر با احوال مستخدمین دولت واقف هستند آقای دکتر میلسپو هم خودشان در این باب مطالعه کرده اند مطالعاتشان هم تمام شده است و یک طرح هائی هم تهیه شده است و درست است

و نظر آقا را هم تأمین میکنم که بزودی از نتیجه آن مستحضر خواهید شد و بعقیده بنده این قانون احتیاج به تبصره اضافی ندارد وظیفه دولت است که انجام دهد.

دکتر ملکزاده - مسترد کردم.

رئیس - مذاکرات در کلیات دوم است. آقای بهبهانی فرمایشی دارید؟

بهبهانی - بنده در کلیات اول موجباتی که بنظر می رسید و گرانی زندگانی را که حل کردم عرض کردم و آن این بود که دولت باید توجه بکند در اینکه آن عوامل را حتی المقدور مرتفع کند تا اینکه قیمت بطریق طبیعی خودش ارزان بشود و حالا این قانون گذشت و البته شور آخرش هم تمام خواهد شد و آقایان تصویب میفرمایند و امیدوارم هستم که نتیجه مطلوبه هم حاصل شود و لسی بنده لازم دانستم یک موجب مهم دیگری که باز آن موجب از چند جهت اسباب بالا بردن نرخ شده یعنی از طرف دولت تقریباً این عمل شده عرض کنم و آن مسئله اداره باربری است که اداره باربری تصدیق میفرمائید صدی چهل موجب این شده است که نرخ اشیاء را در بازار و در دست فروشندگانش زیاد کند (صحیح است) اولاً بعد از اینکه تشکیل این اداره شد یک نرخ معین کردند برای این حمل جنس که روی کیلومتر باربری بشود و یک وجهی بدهند و البته هر کسی که محتاج ببردن بارش است باید روی آن قانون آن وجه را بدهد ولی متأسفانه یک اشخاصی بعنوان کارشناس یا بعنوان دیگری نمیدانم بعنوان پیمان کار معین کرده اند که جمیع حمل و نقل را بدست آنها داده اند آنها چه میکنند اولاً این نرخ دولت را عمل نمیکند باین معنی که باری را که باید بیاورد باینجا یا از اینجا ببرد بجای دیگر بعذر اینکه ماشین نداریم تعویق میکنند تا اینکه صاحب مال مجبور میشود که زیاد تر از آن قیمتی که دولت معین کرده است بآنها بدهد و البته آن زیادی زیادی کمی هم نباید باشد باید زیاد باشد که چند نفر را اقلأ اداره کند این زیادی کجا می رود؟ از روی چه منطقی است یک مردی که صاحب یک متاعی است بخواهد بیاورد باینجا بفروشد یا جای دیگر ببرد بفروشد این زیادی ها را بدهد بدیهی است این شخص

هم مجبور میشود آن زیادیهائی که آنجا پیدا میکنند روی متاعش بکشد این موضوع یکی از مسلمات محسوس است برای اثبات این موضوع عرض میکنم البته بنده خودم جزو اشخاص نبودم که کار داشته باشم با اداره باربری و در اداره باربری هم نبودم ولی این عرایض من بموجب یک اطلاعاتی است و دلایلی هم دارد. یک دلیلش این است که بدفاتر باربری و بتاریخ و تواریخی که بعنوان بارنامه بدست مردم داده اند مراجعه بفرمائید می بینید که یک متاعی هست که تقریباً دو یا سه ماه بلکه شش ماه معطل شده و برده نشده و یک متاع دیگر است که فوراً و در ظرف یکی دو روز برده اند این روی چیست وقتی مراجعه بکنید روی این دفاتر تجار معلوم میشود که از بابت باربری چقدر زیادی داده اند اینها را میتوانید تشخیص بدهید و دلایلش همراهش است هیچ نمیخواهد جای دیگر برود (نهرانچی - اصلاً نمیگذارند بار برود) در اداره باربری دفتر دارند بارنامه صادر میکنند مراجعه بفرمائید بارنامه هائی که بدست مردم داده شده است از آن طرف دفاترشان هم حاضر است معلوم میکنید که بچه موجب یک باری باید شش ماه بماند و باری را که دیروز بارنامه صادر کرده اند امروز حرکت کرده است و البته تصدیق میفرمائید که این یکی از موجبات گرانی است زیرا این اشیاء در هر کجا بماند مقداری انبار داری به آنها تعلق میگیرد و از این جهت بیک نسبت زیادتری باید بفروش برسد و این خودش موجب بالا بردن قیمت است و یک نفر تاجر که یک مقدار جنس او نسبت به سایر اجناسش هم اختلافاتی ایجاد میشود که تا تکلیف یک قسمت معین نشود سایر قسمتها را هم نمیتوان حمل نمود و این خود باعث زحمات فوق العاده میشود بنده تصور میکنم که باید دولت توجه بکند که این قسمت را کاملاً مرتفع کند و رفع کند و این اداره باربری را یا یک طریق درستی برایش قرار دهد یا بکلی منحل بکند که واقعاً مردم را از هستی ساقط کرده است (نهرانچی - که باعث گرانی قیمتها نشود) یکی از چیز هائی که میخواهم عرض کنم این را البته باید یک قدری بیشتر دقت درش کرد و بیشتر درش غور بکنند

و اگر دولت بخواهد ارزش استفاده بکند و بفهمد که اینجا حرف صحیح است ممکن است بیک وسائلی که بنده میدانم راهنمایی کنم بشرط اینکه دولت جدیت بکند و این مطلب را کشف بکند. یکعده زیادی از تجار هستند که اینها یک شکر زیادی وارد کرده و به سرحد آوردند و آن شکر چون تقریباً چند مقابل قیمت وارد شده قیمت داشت یعنی بیش از مقداری که برای آن تجار وارد شده بود با وجود مخارجی که داشت اگر میآمد بتهران یا بپولایات چند مقابل قیمت تمام شده به فروش میرفت این بار بار نشد و هر چه رفتندو گفتند گفتند بار کشتی نداریم یا فعلاً وسایل مان جا های دیگر کار میکنند این را که عرض میکنم خواهش میکنم جدیت بکنید و تحقیق نمائید و اگر وسیله پیدا نکردید من حاضر هستم راهنمایی کنم که از چه راه وارد شوند بهر حال پس از مدتی معطلی البته یک تاجری یک شکری وارد کرد این شکری که وارد میکنند هر چه بماند مخارج بیشتری به او تعلق میگیرد و باید هر چه زودتر شکر را فروخته باشد که تنزل ندهد چون اگر بفروشد معطل میماند پس از مدتی معطلی آنوقت یک راهنمایی هائی بهش میشود که آقا اگر میخواهی که اینطور معطل نشوی مایک مشتری هائی داریم برای تان بفروشیم بالاخره بنده شنیدم که کارمندان اداره باربری این شکر را خریدند و تهران و جاهای دیگر وارد کردند و بلافاصله بقیمتهای خیلی گران تری فروختند (صحیح است) بنده در پشت این تریبون صریحاً عرض میکنم و از آقایان وزراء استدعا میکنم در این باب اگر میخواهند دقت بشود اقدام بکنند تا قضیه کشف شود. این شکر را تاجر که میآورد بقیمت گرانی خواهد فروخت ولی فرق است بین تاجر و غیر تاجر تاجر وقتی متاعش را وارد کرد بهر قسمی اگر معطل شده باشد مواعی هم در پیش آمده باشد و نداشته باشد بهر جور باشد این را رد میکند و میفروشد ولو بقیمت کمتر ولی یک اشخاصی که برای استفاده این کار را کرده اند امروزه محتاج نیستند چهار تا کیسه اش را اینجا میآوردند و مابقی را جای دیگر میبرند و احتکار میکنند دولت هم اگر بخواهد اقدام بکند یکی از وسایلس اداره باربری

است و از اداره باربری باید کسب اطلاع بکنند در این جا گفته شد موقعی که در ماده ۸ مذاکره بود که همین عاملین عمل باید برای جوفاهیت مردم عمل بکنند نه اینکه خود آنها اسباب این بشوند که گرانی جنس تولید شود این هم یکی از وسائلی است که باعث گرانی جنس است یک مسئله دیگر مسئله گاراژها و گاراژ دارهاست که اگر بخواهیم وضعیتی را که آقایان اداره باربری با گاراژ دارها عمل کرده اند و میکنند عرض کنم اولاً خارج از موضوع است ثانیاً یک مبحث طولانی است اگر دولت خودش بخواهد باید کاملاً تحقیق کند اگر از من بخواهد من حاضرم راهنمایی بکنم عرض کنم در این شهر ماشین هائی هستند که با این رویه دولت نمیتوانند با اداره باربری عمل کنند چرا برای اینکه آنها یک مبلغی که از اینها میگیرند و یک عملی که با آنها میکنند این کافی نیست و فایده ندارد برای اشخاص سرمایه دار و ماشین داری که بتواند با اداره باربری کنار بیاید و کار کند اینها شاید یک حلقه لاستیک را پنج هزار تومان شش هزار تومان خریده اند زیر ماشین شان گذاشته اند اینها کار نمیکند یا اگر میکنند کار آزاد میکنند چطور کار آزاد میکنند بایک وجهی میروند با اداره باربری نزد اشخاص معین و همین آقایانی که متصدی اداره باربری هستند میروند آنجا و جواز آزادی یکماهه میگیرند که یکماهه بتوانند آزادانه با ماشین کار بکنند این میآید کار میکند اولاً یک تخمیلانی هم بمردم وارد می آید مثلاً می گوید فرضاً باید بار ببری به شیراز و در مراجعت حق نداری بار بگیری و باید خالی برگردی البته این مجبور است که کرایه مراجعت را هم در موقع رفتن روی کرایه بار بکشد و این خود باعث گرانی جنس میشود (نهرانچی - بمصرف کننده تحمیل میشود) اینهم یکی از مسائل است که اداره باربری با سوء عمل این گرانیهارا برای مملکت و مردم ایجاد میکنند (صحیح است) یک قسمت دیگری را هم که میخواهم عرض کنم مسئله حق العملی است که دولت معین کرده و حق العملی که گاراژهای سابق داشتند و گاراژدارهای سابق اولاً گاراژدارها با کمال امانت و درستی عمل میکردند بطوریکه یک تاجر صد هزار تومان پنجاه

هزار تومان بیست هزار تومان مال التجاره خودش را بدون سند شرعی و عرفی بآنها میدادند يك بارنامه ازشان میگرفت و عین آن بار را در مقصد تحویل میداد و مال خود را تحویل میگرفت امانت و درستی شان را معلوم کرده بودند که تجار آنها را طرف امانت میدانستند آنها را آمدند بهم زدند اینها چه میکردند يك حق العملی از اینها میگرفتند صدی سه یا صدی پنج و بار را هم صحیحاً میسازند بمقصد و میتوانستند از عهده امانت خودشان بر بیایند و آن امانت خودشان را محفوظ بدارند حالا اداره باربری آمده است این صدی سه را اولاً صدی هفت و نیم از دولت (تهرانچی صدی هفت و نیم از صاحب بار) و صدی ۱۵ از تاجر میگیرند (تهرانچی خیر جمعی صدی پانزده است صدی هفت و نیم این صدی هفت و نیم آن) خیر و بالاخره صدی بیست و دو در این باب عمل میشود این صدی بیست و دو با صدی سه و صدی پنج خیلی تفاوت دارد این تفاوت عمل کجا میرود؟ غیر از اینکه این تفاوت عمل را باید روی جنس بکشد میشود ۱۷٪ یا ۱۹٪ این مجبور است روی جنس برود برای اینکه اول صدی دو و نیم صدی سه میدادند حالا چند برابر پس بنا بر این بنده تصور میکنم علتش این است و چیزهای دیگری هم هست که بنده یادداشت دارم و میتوانم عرض بکنم ولی چون وقت گذشته است آقایان هم خسته شده اند تصور میکنم که اگر آقایان وزراء در این بابها و در آن مواردی که سابقاً هم عرض کرده ام توجهی فرمایند این موجبات را رفع کنند بهتر است اما اداره باربری برای ارزان کردن بار و برای رفاهیت به مردم مملکت است نه برای اینطور در مضیقه گذاشتن و تجار را از کار انداختن خوب بود يك کارهای

خوبی میکردند که مردم بیشتر به آنها رجوع بکنند ولی حالا وضعیت طوری شده است که هر کس باید چندین هفتاد بود و بالاخره يك منافع زیادتری هم بدهد که روی معیشت عامه کشیده میشود برای اینکه ما يك اداره باربری داریم که میخواهیم این را نگاه داریم اما نه بطریقی که اسباب رفاهیت و آسایش حال عامه باشد این عرایض من بود امیدوارم که محل توجه دولت واقع شود و دولت هم در این باب توجه بفرماید که اسباب رفاهیت حال همگان بشود.

فخست وزیر - قضیه باربری چون مورد توجه نمایندگان محترم است دولت خودش هم متوجه آنست اشکالاتی که راجع باین اداره ذکر میشود زیاد است بطور کلی آنچه که بنده میخواهم عرض کنم وجود اداره باربری بیک امری که گفته شد لازم است ولی البته اداره اش خوب اداره نیست بنده يك موقعی از آقای تهرانچی و آقای امیر تیمور دعوت کردم و آقای شریدن هم دعوت شدند و مطابق آن بهدایت آقای امیر تیمور يك اشخاص بصیرتری را خواستم يك دو جلسه هم آنها کرده اند امروز هم جلسه البته معمول هست رأی بدهند توافق نظری پیدا بشود که این رفاه و آسایشی که آقای بهبهانی فرمودند تأمین بشود این کمیسیون فعلاً مشغول کارش است و بنده البته بهمین نزدیکی میتوانم نتیجه اش را با اطلاع آقایان برسانم.

رئیس - رأی گرفته میشود بکفایت مذاکرات موافقین برخیزند (اغلب برخاستند) تصویب شد. موافقین با لایحه دولت که عبارت از هشت ماده است ورقه سفید بدهند.

(اخذ آراء بعمل آمد در نتیجه ۷۱ ورقه سفید شماره شد)

رئیس - عده حاضر در موقع اعلام رأی ۸۵ با کثرت ۷۸ رأی لایحه دولت تصویب شد

ورقه سفید بدون امضاء ۳

ورقه کبود علامت امتناع ۱

[۳ - معرفی معاون وزارت امور خارجه از طرف آقای وزیر امور خارجه]

وزیر امور خارجه (آقای ساعد) - میخواستم عرض کنم که آقای محمدعلی همایونی که یکی از خدمتگذاران مجرب و با اطلاع هستند بسمت معاونت وزارت امور خارجه معرفی میکنم (صحیح است - مبارک است.)

[۴ - تقدیم لایحه استخدام مهندسين از طرف آقای وزیر بازرگانی و پیشه و هنر]

وزیر بازرگانی و پیشه و هنر (آقای بدر) - عرض کنم در چند جلسه قبل این جا حضورتان عرض کردم لایحه

قانون استخدام مهندسين که بایستی در آخر سال گذشته داده شده باشد بواسطه کمی وقت تا کنون داده نشده است حالا این لایحه تهیه شده و تقدیم مجلس شورای ملی میشود. (صحیح است)

رئیس - به کمیسیون رجوع میشود.

[۵ - موقع ودستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - اجازه میفرمائید جلسه را ختم کنیم (صحیح است) جلسه آتی به روز پنجشنبه پانزدهم سه ساعت و نیم قبل از ظهر دستور هم لوابیح موجوده.

(مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

اسامی رای دهندگان - آقایان: نیکپور - ثقة الاسلامی - هدایت الله پالیزی - مرآت اسفندیاری - نقابت - اوحدی - کازرونیان - شهردوست - ابراهیمی ریگی - مهدوی - آزادی - مؤید قوامی - دکتر غنی - افشار - افخمی - ناهید - صفاری - رستم گیو - گرگانی - معینی - دادور - منشور - معتصم سنگ - مسعودی خراسانی - ملک مدنی - نواب یزدی - مؤید احمدی - دکتر قزل ایلی - دکتر طاهری - دکتر ملک زاده - دکتر سنگ - دکتر ادبم - محمد تقی ذوالقدر - محبت لاریجانی - نراقی - دکتر تاجبخش - زوخی - رضوی - محسن صدر - رحمت سمیعی - حریری - مؤید ثابتی - دهستانی - فتوحی - ابراهیم سمیعی - رفیعی - مجد ضیائی - رهبری - شیرازی - لاریجانی - منصف - یمن اسفندیاری - عزیری - یارسا - امامی - پناهی - فرمانفرمایان - دکتر ضیاء - اصفهانی - اصفهانیان - معتضدی - امیر ابراهیمی - فرخ - فرشی - ناصری - هاشمی - فروهر - مقدم - چایچی - اردبیلی - شاکینانی

قانون

قانون اختیارات دکتر میلسپو در مورد تنزل و تثبیت بهای اجناس

ماده اول - به آقای دکتر میلسپو رئیس کل دارائی فعلی اختیار داده میشود امر تحصیل اجناس غیر خوارباری و کلیه مواد خام و مصنوعات و وارد و صادر کردن اجناس و حمل و نقل و انبار نمودن و توزیع آن و همچنین مال الاجاره مستغلات و دستمزد کلیه کارها و خدمات عمومی را تحت اداره خود قرار دهد .

تبصره ۱ - ترتیب و تعدیل مال الاجاره مستغلات با مقرراتی که از طرف وزارت دادگستری و رئیس کل دارائی تنظیم خواهد شد بعمل خواهد آمد .

تبصره ۲ - نسبت باجناس وارداتی و صادراتی نوع اجناس که باید تحت اختیار درآید قبلاً آگهی خواهد شد .
تبصره ۳ - در مورد آن قسمت از مواد خواربار که به تشخیص وزارت خواربار و رئیس کل دارائی لازم شود مشمول این قانون واقع گردد بموجب پیشنهاد وزارت خواربار و رئیس کل دارائی با تصویب هیئت وزیران تحت اختیار رئیس کل دارائی گذارده خواهد شد .

ماده دوم - رئیس کل دارائی مجاز است برای اجرای وظایف مذکور در ماده اول از کلیه اختیاراتی که بموجب قوانین مصوبه ۲۴ خرداد ۱۳۲۱ و ۳۰ مهر ۱۳۲۱ و قانون منع احتکار مصوبه ۲۷ اسفند ۱۳۲۰ و قانون واگذاری انحصار تجارت خارجی مورخه ۶ اسفند ۱۳۰۹ و قانون انحصار تجارت مصوبه ۱۹ تیر ۱۳۱۱ بدولت داده شده است استفاده نماید .

ماده سوم - در اجرای اختیارات نامبرده رئیس کل دارائی میتواند کوپن منتشر کند مغازه فروش کالا دایر کند و هر اقدام دیگر که مفید و لازم بداند برای فراهم آوردن وسایل تنزل و تثبیت بهای اجناس و توزیع عادلانه آن بعمل آورد .
ماده چهارم - برای هزینه اجرای این قانون در سال ۱۳۲۲ مبلغ پنج ملیون ریال بوزارت دارائی اعتبار داده میشود و برای سرمایه خرید کالاها نیز بوزارت دارائی اجازه داده میشود در صورت لزوم تا یکصد ملیون ریال از بانک ملی وام دریافت داشته و بطریق تنخواه گردان استفاده نماید .

ماده پنجم - بر رئیس کل دارائی اختیار داده میشود که نه نفر از اتباع ممالک متحده امریکارا بسمت معاونت خود در وزارت دارائی و بخصوص برای اجرای این قانون انتخاب نماید و شرایط استخدام آنها را بوسیله وزیر دارائی برای تصویب به مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید .

ماده ششم - آئین نامه که برای اجرای این قانون لازم شمرده شود رئیس کل دارائی تنظیم و بموقع اجرا خواهد گذاشت .

ماده هفتم - کارمندان دولت اعم از کشوری و لشکری و شهرداریها و بنگاههای دولتی بهیچوجه حق ندارند در امور خرید و فروش بعنوان تجارت و دلالتی کالاهائی که تحت نظارت دولت است و همچنین مواد خواربار بمنظور کسب اضافه بر احتیاج شخصی بنفع خود مداخله نمایند در صورت تخلف از خدمت منفصل و برطبق مقررات قانون مجازات خواهند شد .

ماده هشتم - این قانون تا ششماه بعد از خاتمه جنگ کنونی بقوت خود باقی خواهد بود مگر اینکه از طرف مجلس شورای ملی ملغی شود .

این قانون که مشتمل بر هشت ماده است در جلسه سیزدهم اردی بهشت ماه یکهزار و سیصد و بیست و دو به تصویب مجلس شورای ملی رسید .
رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری